

بررسی نقش اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت و احساس شادمانی در دانشجویان

مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان در سال ۱۳۹۳*

علیرضا صنعت‌خواه^۱

معصومه دادخواه‌فر^۲

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه اعتماد شبکه‌های اجتماعی، مشارکت و احساس شادمانی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان (به تعداد ۱۶۴۰۳ دانشجو) در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ که تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده، پرسشنامه شامل دو بخش که برای سنجش احساس شادمانی از پرسشنامه آکسفورد استفاده شده است. چارچوب نظری تحقیق براساس نظریات ماکس هالر و مارکر هادلر، بام و بارهیر، شینز و برگزما شکل گرفت و فرضیاتی تدوین شده و سپس با استفاده از نرم افزار amos 17 نمودار مسیر مطروحه برازش یافته است نتایج حاکی از آن است رابطه بین ابعاد برون گروهی مشارکت خیریه ای و احساس شادمانی معنادار نیست و تنها مشارکت خیریه ای درون گروهی دارای تأثیرات مستقیم و مثبت بر احساس شادمانی است. ضریب بتای استاندارد برابر با (۰/۱۳۲) است دومین متغیری که بیشترین تأثیر را بر احساس شادمانی دارد، اعتماد نهادی است. ضریب بتای استاندارد آن برابر با (۰/۲۱۹) است. روابط دیگر متغیرهای اجتماعی با احساس شادمانی در قالب مدل رگرسیونی چند متغیره در تحقیق ارائه شده است

کلید واژه: احساس شادمانی، اعتماد نهادی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت های مردمی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۷

** این مقاله برگرفته از نتایج یک طرح پژوهشی است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان به اجرا درآمده است

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

۱- مقدمه و بیان مسأله

یکی از چالش‌های فرا روی انسان‌ها در دنیای امروز احساس بهزیستی و شادی است. زیرا علیرغم پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری و تأمین آسایش انسان، احساس شادمانی وی افزایش نیافته است (پناهی، ۱۳۹۱). برخی شادی را هدف وجود انسان می‌دانند و معتقدند که همه انسان‌ها به دنبال شادی هستند، اما آن چیزی که در این میان متفاوت است، ابزارهای متفاوتی است که آنها برای رسیدن به این هدف به کار می‌گیرند. در واقع از دیرباز تا به امروز شادی یک میل انسانی بنیادی به کار می‌رفته است. (پاسکال، ۱۹۹۵: ۴۵)

اکثر انسان‌ها و شاید همه آنها می‌خواهند شاد باشند زیرا بشر از دیرباز به دنبال این بود که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند. چه اسبابی بیشتر موجبات جلب رضایتش را فراهم می‌کند و چه ساز و کارهایی می‌تواند از تنفس در این دنیا لذت و بهره بیشتری ببرد. این درحالی است که فشارهای مختلفی که در زندگی معمول انسان امروز از قبیل فشارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، روان شناختی و جمعیتی وجود دارد، همگی باعث تجربه کاهش رضایت و شادی افراد در زندگی روزمره شود. بدین طریق برای بسیاری از مردم، شادمانی به صورت نا امید کننده‌ای دور از دسترس باقی مانده است. (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۰).

تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد افرادی که شاد هستند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند، بیشتر اظهار رضایت می‌کنند. (مایرز، ۸۰، ۲۰۰۲؛ پترسون، ۲۰۰۰، ۴۵) فقدان شادی و نشاط نیز در جامعه نتایج منفی بسیاری به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به افسردگی، بدبینی، ارزیابی منفی رویدادها، بی‌علاقگی به کار و فقدان وجدان کاری، اعتیاد به مواد مخدر، ناهنجاری‌های اجتماعی، رواج خشونت در روابط اجتماعی، طلاق و گرایش به فرهنگ بیگانه و غیرخودی اشاره نمود. (طاهریان، ۱۳۸۱، ۴) از سویی دیگر محققان معتقدند که مشارکت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند بر شادی و رضایت افراد از زندگی تأثیرگذار باشند. (دریکوندی، ۱۳۸۱؛ قوی فکر، ۱۳۸۸) بنابراین احتمال دارد فضایی که در آن مشارکت وجود داشته باشد، شادی آفرین باشد. درحقیقت جامعه سالم جامعه‌ای مشارکت جوست. چنین جامعه‌ای نیازمند یک نظام آموزشی و دانشگاهی با نشاط و مشارکت جوست که با انگیزه و با امید به آینده، فرآیند پیشرفت علمی خود را طی کند. اما از طرف دیگر مشارکت زمانی عملی می‌شود که اعتماد بین طرفین وجود داشته باشد. گروهی از تحقیقات بر نقش مؤثر اعتماد به دیگران بر احساس شادی تأکید کردند. (پناهی، ۱۳۹۱)

سؤال اصلی که در این پژوهش مطرح است این می‌باشد که چه رابطه‌ای بین انواع مشارکت‌های مردمی، اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و احساس شادی دانشجویان وجود دارد. دلیل انتخاب شهر کرمان و دانشگاه آزاد اسلامی این است که این دانشگاه در سال ۱۳۹۳ به واحدی جامع تبدیل شده است و بنابراین طیف وسیعی از رشته‌های دانشگاهی و دانشجویان (از مقاطع سنی و جنسی گوناگون) را به خود اختصاص داده است که خود محیط مناسبی را جهت سنجش متغیرهای تحقیق ارائه کرده‌است. از طرف دیگر کرمان شهری سنتی است که به سرعت در حال تحول به جامعه مدرن است، امروزه شمار ساختمان‌ها و برج سازی‌های عظیم، پل‌های مدرن و... مسیر توسعه شهری را هموار می‌سازد و از آنجاکه بنا به تحقیقات جدید، شادمانی به عنوان یک ضرورت اساسی در مسیر دستیابی به توسعه محسوب می‌شود و امروزه جوامع پیشرفته توجه ویژه‌ای به مقوله شادمانی شهروندانشان دارند، مطالعه احساس شادمانی در تحقیق ضرورت خواهد داشت.

۲- پیشینه تحقیق

جوکار و رحیمی (۱۳۸۶) در بررسی تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش-آموزان دبیرستانی شهر شیراز بین الگوهای ارتباطی، دانش آموزان و میزان شادی ایشان تفاوت معنی‌داری وجود دارد، در الگوهای توافق‌کننده و کثرت‌گرا میانگین نمره شادی بالاتر و در الگوهای محافظت‌کننده و بی‌قید میزان آن پایین‌تر است و همچنین در الگوی توافق‌کننده و کثرت‌گرا میزان شادی پسران بالاتر از دختران بود. جهت‌گیری گفت و شنود، در مقایسه با جهت‌گیری همنوایی به ویژه پسران عامل اصلی در ارتباطات خانوادگی است که شادی بیشتر را در پی دارد. در این بررسی در الگوهای توافق‌کننده و کثرت-گرا نمره پسران بالاتر بود، یعنی پسران خانواده‌های خود را بیشتر اهل گفت و شنود می‌دانستند تا دختران. این یافته با یافته‌های جوکار (۱۳۷۸) که در آن پسران نسبت به دختران انسجام و همبستگی بیشتری را در خانواده گزارش کرده بودند، هماهنگ است. کهنه شهری و رنجبر (۱۳۹۱) در بررسی جامعه شناختی شادمانی زنان متأهل دانشجو به این نتیجه رسیده‌اند که تعمیم فرضیه جسی برنارد مبنی بر اینکه تأهل بیشتر از مجرد در زنان موجب ناشادمانی است، در نمونه مورد نظر به شدت مورد چالش قرار گرفته است. در روند فرضیه‌یابی در نمونه‌ها، متغیر مستقل دوگانگی نظر و عمل شوهر، تأثیر منفی و قوی بر شادمانی زنان و تأثیر مستقیم بر شادمانی وانمودی آنان داشته است. همچنین رابطه ازدواج ترکیبی و متجانس با شادمانی زنان مثبت و رابطه منفی از آن ازدواج مدرن بوده است. (کهنه شهری و رنجبر، ۱۳۹۱).

حقیقی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی رابطه معنویت، شادی و محیط کار به این نتیجه می‌رسند که مؤلفه‌های معنویت کار (کار با معنی، وحدت و یگانگی، هم‌سویی با ارزش‌های سازمان) و شادی پرستاران

در سطح مطلوبی قرار دارند. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مؤلفه‌های معنویت در کار برشادی پرستاران تأثیر مستقیم می‌گذارد. (حقیقی و همکاران، ۱۳۹۱). موریس^۱ و همکارانش (۲۰۰۹) در بررسی شادمانی و احساس شادی در بین دانشجویان هستند. آنها این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا بین نمراتی که دانشجویان در دانشگاه کسب می‌کنند و احساس شادمانی آنها رابطه‌ای وجود دارد؟ موریس می‌خواهد به این نکته بپردازد که آیا دانشجویان شادتر، نمرات بالاتری را از دیگران می‌گیرند یا خیر؟ نتایج تحقیق حاکی از آن است که احساس شادمانی تأثیر مثبتی بر میانگین نمرات دانشجویان در دانشگاه دارد. همچنین احساس شادمانی تأثیر غیرمستقیم منفی بر مجموع میانگین نمرات دانشجویان از طریق متغیر رضایتمندی داشته است. البته این تأثیر معنادار گزارش نشده است. آناند^۲ و همکارانش (۲۰۱۱) در بررسی رابطه همبستگی اجتماعی و شادمانی در آرژانتین به این نکته اشاره دارد که درآمد و متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر شادمانی تأثیر گذارند. دیگر نتایج تحقیق حاکی از آن است که یکدلی (empathy) ارزش خود (self worth)، اهداف شخصی، امنیت و استرس از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت از زندگی هستند و رضایت از زندگی نیز تأثیر بسزایی بر شادی افراد برجای می‌گذارد. یعنی این تأثیر غیرمستقیم است.

۳- چارچوب نظری تحقیق

ماکس هالر و مارکز هادلر^۳ در بحث تأثیر ساختارها بر هیجانان و به طور خاص شادی، چهار حوزه مرتبط با هم را از یکدیگر متمایز می‌نمایند. آن چهار حوزه عبارتند از:

- شبکه‌ها و روابط اساسی شخصی
- همبستگی‌ها و وابستگی‌های اجتماعی_ فرهنگی و نوع دوستی
- مشارکت‌ها و موفقیت‌های شغلی و وضعیت پایگاه اجتماعی
- بافت نهادی و کلان اجتماعی - سیاسی (هالر و هادلر^۴، ۱۷۸، ۲۰۰۶).

در واقع آنچه هالر و هادلر در بافت اجتماعی خرد بر آنها تأکید می‌کنند، شامل پیوندها و تعاملات اجتماعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وابستگی‌ها و تعلق‌های اجتماعی، نوع دوستی و به‌طور کلی سرمایه اجتماعی اشخاص است و آنچه آن را بافت اجتماعی کلان می‌دانند، شامل نهادهایی است که

1. Morris
2. Anand
3. Max haler and Markaz hadler
4. Haler and Hadler

وظایف ایفای نقش‌های توزیع خدمات و سرویس‌های رفاهی در جامعه، اعطای آزادی و دموکراسی سیاسی و مهیا نمودن شرایط لازم جهت دستیابی افراد به حقوق اجتماعی-سیاسی یا بطورکلی، احقاق حقوق شهروندی را به عهده دارند که هرکدام به نوعی در بروز و ظهور هیجانات خاص، به ویژه احساس شادی، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در تأیید مدعای هادلر و هالر، بل بام و بارهیر^۱ (هالروهادلر^۲، ۲۰۰۶، ۱۷۹) در مطالعات خود نشان دادند که روابط صمیمانه و خوب با دیگر مردم، همسر، والدین، فرزندان، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران از منابع اصلی رضایت از زندگی و شادی است. از سوی دیگر، هیوم^۳ نیز بر این مدعاست، کسب شادی هدفی بنیادین است که فقط از طریق ارتباط با دیگر مردم قابل دستیابی است و دورکیم نیز با تأکید بر نقش روابط و همبستگی اجتماعی در کاهش معضلات و مسائل اجتماعی بر این امر تأکید می‌کند که آن روابط، دست کم از دو طریق حاصل می‌شوند: الف) عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها و مؤسسات و ب) عضویت در یک مجمع مذهبی یا مشارکت‌های مذهبی. سپس به نحوه اثرگذاری آن روابط بر پدیده احساس شادی می‌پردازند و اضافه می‌کنند که آن دو نوع رابطه به دو دلیل شادی را افزایش می‌دهند: ابتدا عضویت نظمی اجتماعی ایجاد می‌کنند، به طوری که از آن طریق، فردگرایی مفرط و آنومی کنترل می‌شود و دوم اینکه ترکیبی متعالی - معنوی ایجاد می‌شود که از آن طریق، تجمع نیروهای اعتقادی و عملی (اجرایی) انسان‌ها، به احساس جمعی برای فهم جنبه‌های مختلف زندگی مبدل می‌شود (هادلروهادلر، ۲۰۰۶: ۱۷۹-۱۸۰). علاوه بر دورکیم، اندیشمندانی چون پولنر، نایرز، آرگایل و هیلز، هایبی، کالدور، برواح و وینهوون و کالمیجن^۴ نیز هرکدام بر تأثیر روابط اجتماعی و مشارکت‌های مذهبی - اجتماعی در افزایش شادی تأکید کرده‌اند تا جایی که وینهوون و کالمیجن^۵، ورود انسان‌ها به انجمن‌ها را اصل دانسته و معتقدند هرچه ورود انسان‌ها به انجمن‌ها بیشتر شود، مردم زندگی شادتری خواهند داشت (وینهوون و کالمیجن^۶، ۲۰۰۵: ۴۳۶). باید به این نکته توجه کنیم که علاوه بر بافت اجتماعی خرد، بافت اجتماعی-سیاسی کلان نیز که مشتمل بر مجموعه نهادهایی است که به احقاق حقوق شهروندان در جامعه می‌پردازند، عاملی مؤثر در ایجاد و حفظ احساس شادی اعضای جامعه به شمار می‌رود. براساس مطالعات، انجام شده، هرچه شرایط اجتماعی - اقتصادی در جامعه مساعدتر و منجر به ارضای نیازهای بیشتر شود، شادی افراد جامعه نیز بیشتر خواهد شد (شینز^۷، ۱۹۹۸، ۴). در این جهت، نظریه

1 . Haler and Hadler & Belbum and Barhir

2 . Hium

3 . Dorkim

4 . Polner, Nayerz, Argayel & Hiltz, Haie, Kaldor, Bervah & Vinhoven, Kalmijen

5 . Vinhoven & Kalmijen

6 . Vinhoven & Kalmijen

7 . Schyns

نیاز که مزلو مطرح کرده نیز بر این نکات تأکید می‌کند که تفاوت جوامع در احساس شادی را می‌توان به وسیله منابعی توضیح داد که آن جوامع برای برآورده شدن نیازهای اساسی شهروندان خود هزینه می‌کنند. جوامعی با بالاترین منابع، اغلب جوامعی غنی و توانگرند (داینر و لوکاس، ۲۰۰۰: ۴۳). به ویژه اینکه منابع لازم را جهت ارضای نیازهای سطح بالا که آرامش و توانگری مضاعفی به شخص ارائه می‌دهند مهیا می‌کنند (شینز^۱، ۱۹۹۸: ۹). بنابراین شرایط محیطی بهتر (خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و ...) همه لازم-اند تا انسان‌ها به هم عشق بورزند و احساس شادی کنند. در توضیح این مطلب، داینر و لوکاس نیز گزارش می‌دهند که جوامع غنی و توانگر، طول عمر بیشتری را در جهت برآورده ساختن نیازهایشان در اختیار شهروندان قرار می‌دهند، بهتر آموزش می‌بینند، حقوق مدنی بیشتری را رعایت می‌کنند، زیربنا و شالوده علمی قوی‌تر را ایجاد می‌کنند و در نتیجه جوامعی شادترند (داینر و لوکاس^۲، ۲۰۰۰: ۴۳). بنابراین یکی از مهمترین وظایف نهادهای کلان در کشور این است که قطع نظر از جنسیت، سن، وضعیت استخدامی، سلامتی و...، استانداردهای لازم را برای همه‌ی اعضای جامعه مهیا کننده تا از این طریق، زمینه لازم برای رضایت و شادمانی را موجب شوند (هالر و هادلر^۳، ۲۰۰۶: ۱۸۲). این نهادها، علاوه بر ایجاد مصاحبت‌ها و همیاری‌های اجتماعی که عاملی مؤثر در بروز آرامش هیجانی و کاهش افسردگی است (چان ولی^۴، ۲۰۰۶: ۹۰) بر اساس نظر مارتین، بایستی با «خلق ساز و کارهای تنظیمی و تعدیلی، ایجاد رضایتمندی در افراد جامعه و کاهش نابرابری در استفاده از امکانات رفاهی و کاهش فاصله طبقه ثروتمند و فقیر، موجبات افزایش سطح شادی را در جامعه فراهم نمایند» (برگزما^۵، ۲۰۰۶: ۱۱۵) و از این رو است که وینهون و کالمیجن بر عدالت در ایجاد احساس شادی تأکید کرده و معتقدند «هر چه عدالت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» در جامعه نموده بیشتر یابد، میزان شادی و توزیع آن بین مردم نیز منصفانه‌تر و بهتر خواهد بود (وینهون و کالمیجن، ۲۰۰۵: ۴۳۵). بنابراین با توجه به مطالب فوق و همچنین پژوهش‌های آلسینا، دیتلا و مک کلوچ که نابرابری را موجب کاهش شادی در جامعه قلمداد می‌کنند (گراهام و فولتون^۶، ۲۰۰۶: ۱۰۸)، اگر شادی معلوم (پیامده عوامل متعدد) فرد شود به نظر می‌رسد تا حد زیادی متأثر از نابرابری در امکانات و منابع طبیعی یا نابرابری در دستیابی به منابع کمیاب اجتماعی- فرهنگی همانند: شغل، درآمد، قدرت، پرستیژ، کارآمدی و... است. از سوی دیگر، تچ و لوبومیرسکی معتقدند که علت

1. Schyns
2. Diner & Lokas
3. Haler & Hadler
4. John Vali
5. Bergezma
6. Graham & felton

تفاوت شادی افراد و جوامع، صرفاً در مسائل اقتصادی نیست، بلکه فاکتورهای مدنی، سیاسی، اجتماعی چون: «میزان آزادی‌های اجتماعی در دستیابی به حقوق سیاسی و مدنی‌شان یا فرصت انتخاب وسایل مورد نظر برای دستیابی به اهداف خود نیز نقش عمده‌ی در تبیین شادمانی افراد جامعه دارد» (تچ و لوبو میرسکی^۱، ۲۰۰۶، ۴)، همچنان که این مقوله در فلسفه یونان باستان نیز پیش شرطی برای دستیابی به شادی بود و ارتباط تنگاتنگی با سلامتی و سطح عمومی رفاه و شکوفایی داشت (هالر و هادلر^۲، ۲۰۰۶، ۱۸۲). البته همین اعتقاد در نظریات جامعه‌شناسان کلاسیک و جدید نیز ریشه دوانید و از این روست که آگوست کنت بر این نکته تأکید می‌کند که آزادی احساس شادی را افزایش می‌دهد. وی در تبیین آزادی آن را به فرصت‌های انتخاب تعبیر می‌کند و معتقد است که زمانی آزادی که در انتخاب فرصت‌ها در جامعه وجود دارد که ظرفیت‌ها و ساز و کارهای انتخاب در آن جامعه توسعه یابد (گلitzer^۳، ۲۰۰۰، ۵۰۴). در تأکید بر مطالب فوق در سال ۲۰۰۰ نیز وینهون دربارۀ رابطه بین آزادی و شادی اذعان می‌دارد که بین آزادی و شادی رابطه وجود دارد، اما این رابطه در جوامعی است که به لحاظ اقتصادی توسعه یافته‌اند و در شرایط فقر این رابطه به چشم نمی‌خورد (گلitzer^۴، ۲۰۰۰، ۵۰۴). براساس مباحث فوق، آنچه هالر و هادلر و سایر اندیشمندان حوزه شبکه‌ها و روابط اساسی شخصی و همچنین حوزه همبستگی‌ها و پیوستگی‌های اجتماعی بر آن تأکید می‌کنند، شامل نوع دوستی، پیوندها و تعاملات شخص با اشخاص دیگر، همچنین تعاملات اجتماعی گسترده‌تر و انواع مشارکت‌های رسمی و غیررسمی، تعهد و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، وابستگی‌ها و تعلق‌های اجتماعی و ... است که برخی از اندیشمندان مجموعه آن صفات را در مفهومی به نام «سرمایه اجتماعی» خلاصه می‌کنند. در توضیح مطالب قبل، باید افزود که سرمایه اجتماعی از نظر روس به نحوه شبکه روابط و تعاملات اجتماعی، دوستی‌ها، نوع دوستی‌ها، احساس کنترل و اعتماد اجتماعی و ... اطلاق می‌شود، به گفته پاتنام، شامل ارتباطاتی است که بین مردم وجود دارد و زندگی آنها را از نظر روابط اجتماعی غنی می‌سازد (جعفری، ۱۳۸۳، ۱۴). در سطح کلان نیز ایجاد بسترهای اجتماعی - سیاسی در جامعه می‌تواند در قالب احقاق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی متبلور شود و آنچه که هالر و هادلر و سایر اندیشمندان، ساختار نهادی و کلان جامعه نام گذاری می‌کنند، شامل نهادهایی است که در اثر فرآیند توسعه، وظایف ایفای نقش‌های توزیع خدمات و سرویس‌های رفاهی در جامعه، احقاق حقوق متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهروندان از جمله آزادی، امنیت و احساس امنیت، عدم تبعیض، تأمین اجتماعی، برخورد مبتنی بر کرامت انسانی، حق مشارکت و ... ایجاد بسترها و شرایط لازم، جهت

1. Tech & elobomirsky
2. Hadler
3. Glitzer
4. Glitzer

دستیابی شهروندان به آن حقوق در سایه عدالت و برابری است که به نظر می‌رسد بتوان کلیه آن مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را در قالب بحث «حقوق شهروندی» مورد مطالعه قرار داد. حقوقی که موجب ارتقای سطح زندگی، کیفیت زندگی و به تبع آن شادی شهروندان خواهد شد. بنابراین شاید بتوان گفت که در کل براساس نظریات موجود در بخش رویکردهای اجتماعی «سرمایه اجتماعی و احقاق حقوق شهروندی» از عوامل مهم و مؤثر بر بروز هیجان‌ها، به ویژه هیجان شادی است. (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰).

۴- فرضیات تحقیق

۱. بین مشارکت درون گروهی، برون گروهی و احساس شادمانی در دانشجویان رابطه وجود دارد.
۲. بین شبکه‌های ارتباطی درون گروهی، برون گروهی و احساس شادمانی در دانشجویان رابطه وجود دارد.
۳. بین اعتماد بین شخصی، نهادی و عمومی و احساس شادمانی در دانشجویان رابطه وجود دارد.
۴. بین طبقه اجتماعی و احساس شادمانی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

۵- روش کار

در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی کرمان می‌باشد که در شش دانشکده مشغول به تحصیل هستند. جمعیت دانشجویان دانشگاه آزاد کرمان در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ برابر است با ۱۶۴۰۳ نفر که ۶۴۱۱ نفر مرد و ۵۳۱۶ نفر زن می‌باشد که حجم نمونه‌ای براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شده است اما ۵۰۰ پرسشنامه بین دانشجویان تقسیم شده است. نمونه‌گیری براساس انتخاب خوشه‌های گوناگون براساس هرکدام از دانشکده‌ها بوده است که علاوه بر آن براساس جنس نیز طبقه بندی شده‌اند و متناسب با آن نمونه تحقیق انتخاب شده است. در این تحقیق جهت ارزیابی اعتبار از اعتبار سازه استفاده شده است و علاوه بر آن پرسشنامه را به نظر سه جامعه شناس با مدرک دکتری و دو روانشناس با مدرک دکتری رسانده ایم و برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر مشارکت غیر رسمی خیریه‌ای (۰/۸۱۳)، متغیر مشارکت همیارانه (۰/۸۷۶)، متغیر مشارکت سیاسی (۰/۷۹۹)، اعتماد نهادی (۰/۷۵۷)، احساس شادمانی (۰/۸۶۴) شبکه‌های اجتماعی (۰/۷۹۹)؛ بدست آمده است. تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق به قرار جدول (۱) می‌باشد.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های تحقیق و تعریف عملیاتی آنها

مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	معرف مؤلفه‌ها
احساس شادمانی	امید به آینده	بهبتر شدن شرایط (شغلی و وضعیت اشتغال، بهداشت و سلامت جامعه، امکانات آموزشی و پژوهشی)- برقراری عدالت و کاهش مشکلات
	علاقه به دیگران	به میزان علاقه و احترام فرد به دیگران اشاره دارد. اینکه چقدر او به مدیران و مسئولین، خانواده، بستگان، دوستان، اساتید....
	وضعیت خانوادگی	همفکری اعضای خانواده در زمان بحران خانوادگی -گفت و شنود بین اعضا به جای پرخاشگری -صبوری و حوصله داشتن و خیرداشتن از مشکلات یکدیگر
سرمایه اجتماعی	مشارکت غیر رسمی خیریه‌ای درون گروهی	مساعدت و کمک مالی به اعضای خانواده، دوستان و خویشان نزدیک
درون گروهی	مشارکت مذهبی درون گروهی	شرکت و همچنین برپایی مراسم عزاداری، دعا، مولودی مذهبی در خانه خود و یا دوستان و خویشان نزدیک، کمک به مراسم دعا و عزاداری و خانواده خود و خویشاوندان نزدیک
	مشارکت (همیارانه) درون گروهی	اینکه تاچه اندازه افراد حاضر ند از سالخوردهگان و کودکانی مراقبت کنند که همزمان (لر و ترک و...) آنها باند و یا داوطلب شدن برای اعزام به منطقه حادثه دیده ای که هم زبان اند (لر و ترک و...) و دیگر کمک ها و همیاری ها را به دایره محدودی از خویشان و دوستان نزدیک را نشان می دهد.
	شبکه های اجتماعی درون گروهی:	میزان و شدت رابطه افراد را با تعداد محدودی از افراد که شامل خویشان و دوستان نزدیک و اعضای خانواده است را شامل می شود. میزان دید و باز دیده‌ها و ارتباطات را در بین این افراد نشان دهنده شبکه های اجتماعی درون گروهی است. اینکه رابطه افراد با اعضای خانواده خودشان تا چه حد قوی است و یا رابطه آنها با دیگر خویشاوندان تا چه حد قوی است؟ و مسایلی از این قبیل را شامل می گردد.
	اعتماد بین شخصی	به میزان اعتماد فرد به اعضای خانواده و دوستان نزدیکش اشاره دارد. اینکه تا چه اندازه او به پدر و مادر، خواهر و برادر، دایی ها و خاله ها، عمه و عمو، دوستان و افراد همزمان (لر و ترک و...) اعتماد دارد.
سرمایه- اجتماعی	مشارکت غیر رسمی خیریه‌ای برون گروهی	: مساعدت و کمک مالی به همه انجمن های خیریه ای در سطح شهر و کشور، کمک و مساعدت مالی به عموم مردم جامعه
برون گروهی	مشارکت مذهبی برون گروهی	برپایی مراسم عزاداری، دعا، مولودی مذهبی برای عموم مردم (دعوت از همسایگان و هر غریبه ای که تمایل به مشارکت در اینگونه مراسم ها را دارا است) و ، کمک به مراسم دعا و عزاداری در هر کجای شهر و محلات گوناگون
	مشارکت (همیارانه) برون گروهی	اینکه تاچه اندازه افراد حاضر ند از سالخوردهگان و کودکانی مراقبت کنند که همزمان (لر و ترک و...) آنها نیستند و یا داوطلب شدن برای اعزام به منطقه حادثه دیده ای که غیر هم زبان اند (از اقوام و قومیت های دیگریند)
	شبکه های اجتماعی برون گروهی	میزان و شدت رابطه افراد را با عموم مردم را شامل می شود. ارتباطات گسترده فرد در خیابان، مراکز عمومی از جمله پارک ها، سینما و کتابخانه و رستوران و...، اینکه توانایی شهروندان در ارتباط برقرار کردن با دیگران تا چه حد قوی است؟
	مشارکت منفعل (مدنی):	مشارکت منفعل (مدنی): شامل عضویت فرد در انواع انجمن ها و گروهها از جمله انجمن اولیا و مربیان، بسیج، شکل های سیاسی، NGO های اجتماعی (ترک اعتیاد و...)، هیات های مذهبی، هیات امانه مساجد، شوراهای محلی
	مشارکت سیاسی	شامل دو مؤلفه می شود. یکی از این مؤلفه ها بحث سیاسی است که شامل میزان بحث سیاسی فرد با دوستان و دیگران، دنبال کردن مباحث سیاسی از جراید و روزنامه ها و رادیو و تلویزیون و علاقه به اخبار و تماشای آن از تلویزیون و یا دیگر رسانه ها دارد و دومین مؤلفه شرکت در فعالیت های سیاسی از جمله شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس ، انتخابات شورای اسلامی شهر، انتخابات خیرگان رهبری و یا شرکت در راهپیمایی های مجاز و غیر مجاز را شامل می شود
	اعتماد نهادی	تا چه اندازه شخص به نهادها و موسسات گوناگونی از جمله پلیس، دادگستری ها، شورای حل اختلاف، مجلس، شورای اسلامی، استانداری ها و... اعتماد دارد
	اعتماد عمومی	نشانگر اعتماد فرد به عموم مردم (حتی غریبه ها) جامعه است. اینکه چقدر دیگران را قابل اعتماد می داند. آنها را امانت دار و پایبند به قول و قرار های خود می داند.

۶- یافته‌ها

بنابر نتایج بدست آمده از حجم نمونه تحقیق، ۲۱۱ نفر (۵۵.۵) را زنان و ۱۶۹ نفر (۴۴.۵) را مردان تشکیل داده‌اند. ۶۵.۸ درصد را مجردین، ۲۹.۲ متأهلین و ۱.۵ درصد را افراد مطلقه و ۴.۲ درصد فوت همسر تشکیل داده‌اند و میانگین سنی پاسخگویان ۱۷ سال بوده است و از لحاظ طبقه اجتماعی داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان از طبقه متوسط رو به بالا و طبقه بالا هستند.

توزیع فراوانی پاسخگویان براساس ارزیابی ایشان از هرکدام از گویه‌های پرسشنامه آکسفورد را نشان دهنده آن است که ۵۸/۷ درصد از پاسخگویان دارای احساس شادی متوسط و ۳۹/۲ درصد ایشان دارای شادی بالا هستند. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس مشارکت غیر رسمی خیریه ای نشان می‌دهد که میزان مشارکت خیریه ای در شعاع درون گروهی بسیار قوی است اما از شعاع مشارکت به سمت خارج از گروه یعنی مشارکت با همسایگان، مردم شهر و مردم سراسر کشور به شدت کاسته می‌شود. اینکه فرد تمایل داشته باشد که اگر قرار است کمکی به دیگران بکند این کمک را در درجه اول نسبت به خویشان و خانواده اش ادا کند، امری بسیار پذیرفته و بخردانه است. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که با شعاع بسیار محدود مشارکت نسبت به خارج از این گروه نزدیکان مواجه می‌شویم. این امر می‌تواند برای غریبه‌ها و افرادی که از شهرهای دیگر به کرمان یا مهاجرت می‌کنند و یا بنا به مسایل شغلی مجبورند در کرمان زندگی کنند، مشکلات عدیده ای بوجود آورد. در پرسشنامه ای که به منظور سنجش مشارکت خیریه ای طراحی شده است از پاسخگویان پرسیده شده است که: چنانچه گروه‌های زیر نیاز به مساعدت و کمک مالی شما داشته باشند تا چه میزانی مایل به کمک به آنها هستید، پاسخ‌های ارائه شده بدین قرارند:

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان به گویه‌های مشارکت غیررسمی خیریه ای براساس (درصد صحیح)

	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	کل	میانگین
اعضای خانواده و خویشان	۵۵/۳	۲۷/۷	۱۱/۲	۳	۲/۸	۳۹۵	۴/۳۰
دوستان نزدیک	۲۶/۸	۴۳/۸	۱۹	۷/۶	۲/۸	۳۹۵	۳/۸۴
همسایگان	۹/۶	۲۳/۳	۳۹/۵	۲۱/۵	۶/۱	۳۹۵	۳/۰۹
همکاران	۵/۸	۱۸/۷	۳۹/۵	۲۳/۸	۱۲/۲	۳۹۵	۲/۸۲
مردم شهر	۳	۷/۱	۲۴/۳	۳۲/۹	۳۲/۷	۳۹۵	۲/۱۵
مردم سراسر کشور	۴/۱	۵/۶	۱۸/۵	۳۱/۴	۴۰/۵	۳۹۵	۲/۰۱

توزیع فراوانی پاسخگویان براساس مشارکت مذهبی حاکی از آن است که شعاع مشارکت نیز در شهر کرمان علاوه بر اینکه در سطح درون گروهی قوی است، در بعد برون گروهی نیز قوی است. این امر بدین

معنا است که مذهب قادر است شعاع ارتباطی را از درون گروه به مشارکت های برون گروهی مذهبی تسری دهد. زمانی که افراد در مراسم عباداری از جمله مراسم مربوط به واقعه کربلا شرکت می کنند و یا در مراسم روضه خوانی و دعا و نیایش دعوت می شوند، دیگر به تعلقات درون گروهی به تنهایی اهمیت نمی دهند بلکه تعلقات برون گروهی نیز در این زمینه نقش مؤثری را بازی می کند. جدول شماره ۲ توزیع فراوانی پاسخ گویان و نمرات میانگین حاصله نسبت به هرکدام از گویه های پرسشنامه در خصوص این سؤال که تا چه میزان در موارد زیر (شامل معرف‌های مشارکت مذهبی) تمایل به مشارکت فعالانه دارید؟ را نشان می دهد.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان به گویه های مشارکت مذهبی براساس (درصد صحیح)

ردیف	میانگین	فراوانی	نمرات	میانگین	فراوانی	نمرات	میانگین
۳۹۵	۳/۸۲	۵.۳	۶.۱	۲۲	۳۴.۹	۳۱.۶	شرکت در مراسم عباداری مذهبی خویشاوندی
۳۹۵	۳/۶۸	۷.۳	۷.۱	۲۳	۳۴.۹	۲۷.۶	کمک به مراسم دعا و عزاداری و خانواده خود و خویشاوندان
۳۹۵	۳/۱۵	۹.۶	۱۴.۴	۳۹.۷	۲۳.۳	۱۲.۹	شرکت در مراسم عباداری یا دعا در هرکجا که دعوت بشوم
۳۹۵	۲/۶۱	۲۴.۱	۲۷.۱	۲۴.۱	۱۳.۴	۱۱.۴	ارائه خدمات بدون دریافت مزد برای گروه‌های مذهبی در سطح محله
۳۹۵	۲/۴۵	۳۰.۹	۲۵.۱	۲۱.۸	۱۳.۲	۹.۱	ارائه خدمات بدون دریافت مزد برای گروه‌های مذهبی در سطح شهر

توزیع فراوانی پاسخگویان براساس مشارکت همیارانه نشانگر آن است که نمرات حاصله بالاتر از میانگین (۳/۱۳ از ۵نمره) گزارش می شود که نمره‌ای نسبتاً مطلوب است اما همین سؤال را زمانی که از ایشان پرسیده می شود که تاچه اندازه حاضرید از سالخوردگان و کودکان غیرهمزبان (لر و ترک و...) مراقبت کنید؟ پاسخ‌ها بسیار متفاوت و به شدت از نمره میانگین کاسته می شود (۲/۵۶ از ۵نمره) گزارش می شود. این امر نشان دهنده شعاع مشارکت محدود و درون گروهی در افراد مورد بررسی است. اما مشکل و مسأله اصلی درخصوص این نوع مشارکت زمانی مطرح می شود که به نمرات حاصله درخصوص اعزام به منطقه حادثه دیده نگاه می کنیم. همانطور که مشاهده می شود زمانی که همیاری عملی و فعال پاسخگویان مورد سنجش قرار می گیرد تمامی نمرات پایین تر از میانگین (کمتر از ۳) گزارش می شود. دیگر نتایج تحقیق حاکی از آن است که تمایل به مشارکت همیارانه بالاتر از حد متوسط است اما مشارکت عملی و فعالانه پایین تر از حد متوسط است. به نظر می رسد بسترها و زمینه‌های جلب مشارکت در جامعه را باید تقویت نمود تا تمایل به مشارکت با مشارکت فعالانه و عملی توأم گردد.

از دیگر متغیرهایی که می تواند با احساس شادمانی در ارتباط باشد، مشارکت مدنی است، که اشاره به تعداد عضویت پاسخگویان در انجمن‌ها و نهادهای گوناگون را دارد. با اینکه این عضویت‌ها داوطلبانه

است اما نوع عضویت می‌تواند رسمی یا دولتی و یا غیررسمی و خودجوش باشد. از پاسخگویان در خصوص عضویت ایشان در نهادهایی از جمله بسیج، انجمن‌های اسلامی، اولیا و مربیان، شوراهای محلی و... (مجموعاً ۹ دسته از انجمن‌ها و سازمان‌هایی که افراد در ایران به طور قانونی می‌توانند به عضویت آن درآیند) پرسش شده است. نمره میانگین از ۹ نمره برابر با ۱/۷ حاصل شده است که بسیار پایین است و انحراف از میانگین (واریانس) داده‌ها برابر با ۲/۹ می‌باشد و میانه برابر با ۱ و چارک سوم نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از داده‌ها دارای نمره ۲ از ۹ هستند. این امر محدودیت عضویت افراد را در انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه را در شهر کرمان نشان می‌دهد. متأسفانه در ایران و از جمله شهر کرمان، عضویت در انجمن‌ها و برپایی سازمان‌های داوطلبانه آنچنان جایگاهی را ندارد و این امر درحالی است که مهمترین ابزار جلب مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌ها همین انجمن‌ها و سازمان‌های داوطلبانه هستند. اگر کارکرد اینگونه سازمان‌ها در جامعه‌ای بهینه نباشد، توان آن جامعه برای ایجاد سرمایه اجتماعی از نوع برون‌گروهی‌اش بسیار پایین است و این امر می‌تواند باعث انواع و اقسام مسایل اجتماعی برای آن جامعه گردد. اما توزیع فراوانی پاسخگویان براساس شبکه‌های اجتماعی، حاکی از شدت شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی است. شعاع ارتباطی بسیار محدود است و به ندرت از سطح خانواده و خویشان نزدیک فراوان می‌رود، اما میزان ارتباطات (فراوانی تعداد تماس‌ها) فراوان است. ۸۶/۴ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که میزان ارتباط ایشان با اعضای خانواده در حد زیاد و یا بسیار زیادی است، ۷۱ درصد با اعضای دیگر فامیل ارتباطات گسترده‌ای دارند و تنها ۲۲ درصد بیان داشته‌اند که ارتباطات ایشان با عموم مردم قوی و بسیار قوی است.

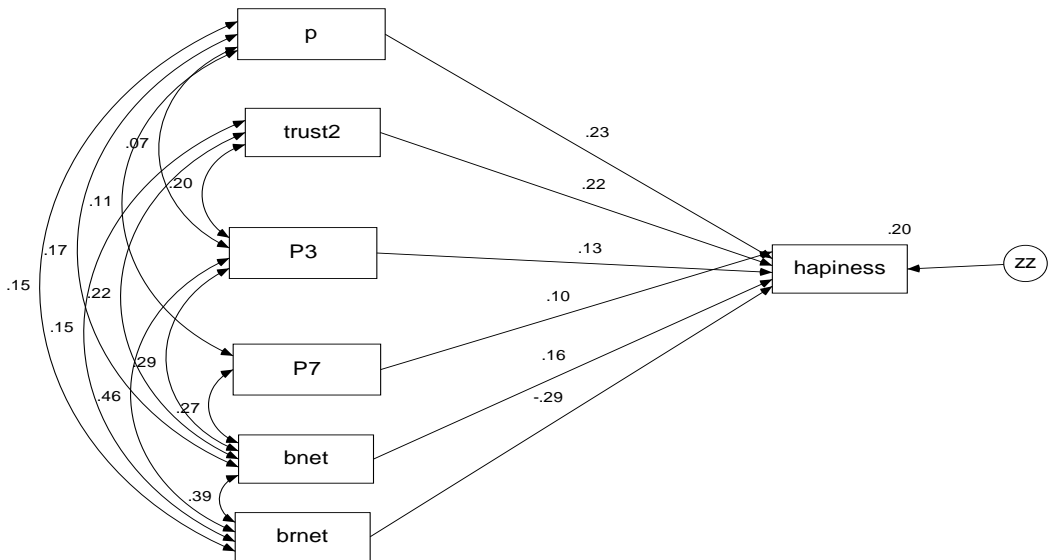
اما در زمینه اعتماد، سه مؤلفه (اعتماد نهادی، بین شخصی و عمومی) از یکدیگر تفکیک شده‌اند. شعاع اعتماد در این شهر با اینکه در اعتماد بین شخصی قوی است اما در این شهر استثنایی در خصوص اعتماد به چشم می‌خورد و آن استثنا این است که شعاع اعتماد نهادی نیز قوی و گسترده است. میزان اعتماد مردم این شهر به نهادهای گوناگون از جمله پلیس، دادگستری‌ها، شورای حل اختلاف، مجلس، استانداری و شهرداری‌ها بالاست. اکثر گویه‌های مذکور (نمره میانگینی بالاتر از ۳ از ۵) را کسب کرده‌اند. همین نتایج برای اعتماد بین شخصی (اعتماد به خواهر و برادر و دیگر اعضای خانواده، خویشان و دوستان نزدیک و...) نیز کسب شده است. (البته با نمره میانگین بالاتر از ۴ از ۵) اما در زمینه اعتماد عمومی وضعیت به گونه دیگری است. اعتماد عمومی یکی از مؤلفه‌های اصلی در جهت دستیابی به توسعه است. تازمانی که این اعتماد ایجاد نشود شعاع مشارکت‌های مردمی محدود و درون‌گروهی است، حال آنکه توسعه پایدار محتاج به مشارکت‌های گسترده مردم است. متأسفانه میزان اعتماد عمومی در شهر کرمان بسیار پایین است. ۶۱/۵ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که به غریبه‌های هیچ اعتمادی ندارند، ۴۵/۸ درصد اعلام کرده-

اند که به فروشندگان نمی‌توان اعتماد کرد، ۳۶/۲ درصد به افراد غیر هم زبان و به افرادی از قومیت‌های دیگر هیچگونه اعتمادی ندارند.

۷- برازش مدل رگرسیونی چندمتغیره تحقیق

به منظور آزمون مدل مفهومی پژوهش در نرم افزار 17 amoss استفاده شده و ضریب (r^2) مدل رگرسیونی نشانگر آن است که ۱۹/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق بر اثر تغییرات متغیرهای مستقلی است که وارد مدل رگرسیونی شده اند .

نمودار ۱: مدل رگرسیون چند متغیره مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی (درون و برون گروهی)



P (مشارکت غیررسمی خیریه ای درون گروهی) trust2 (اعتماد نهادی)، p3 (مشارکت همیارانه) p7 (شرکت در فعالیت های سیاسی)، bnet (شبکه های اجتماعی درون گروهی) brnet (شبکه های اجتماعی برون گروهی) happiness (احساس شادمانی).

جدول (۳) برآورد تأثیرات استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای تحقیق بر یکدیگر را نشان می‌دهد. در این جدول برآوردهای رگرسیونی استاندارد و غیراستاندارد هر یک از متغیرهای تحقیق گزارش شده است. سطح معنی‌داری برای هر کدام از ضرائب فوق با عددی که در ستون (p) گزارش شده است مشخص شده که اعداد کوچکتر از ۰/۰۵ قابل قبول و بزرگتر از آن غیرقابل قبول است. از آنجا که مدل اصلاح شده است

تمامی متغیرهایی که با احساس شادمانی رابطه‌ای نداشته‌اند از مدل حذف شده‌است و مدل رگرسیونی نشانگر تمامی متغیرهایی است که با احساس شادمانی دارای رابطه‌ای معنادار هستند.

جدول ۳: برآورد تأثیرات استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای تحقیق بر یکدیگر

	وزن های				
	وزن های رگرسیون غیر استاندارد	S.E.	C.R.	P	وزن های رگرسیون استاندارد
hapiness <--- P7	.239	.116	2.060	.039	.097
hapiness <--- P3	.249	.097	2.564	.010	.132
hapiness <--- p	1.981	.401	4.933	***	.226
hapiness <--- trust2	.363	.077	4.709	***	.219
hapiness <--- bnet	1.547	.493	3.135	.002	.165
hapiness <--- brnet	-1.126	.208	-5.419	***	-.290

جدول ۴: کوواریانس بین متغیرهای مستقل و وابسته

	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
P3 <--> brnet	11.327	1.361	8.323	***	
bnet <--> brnet	1.950	.259	7.525	***	
P3 <--> bnet	2.977	.516	5.771	***	
P7 <--> bnet	2.092	.370	5.661	***	
p <--> brnet	.791	.266	2.969	.003	
P3 <--> p	.780	.538	1.449	.147	
p <--> bnet	.386	.109	3.529	***	
trust2 <--> bnet	2.623	.574	4.570	***	
P3 <--> trust2	11.410	2.959	3.855	***	
trust2 <--> brnet	4.210	1.416	2.974	.003	
P7 <--> p	.923	.421	2.191	.028	

طبق نتایج مدل رگرسیونی، بیشترین تأثیر را متغیر مشارکت غیررسمی خیریه‌ای بر احساس شادمانی دارد. همانطور که اشاره کردیم برای سنجش این متغیر این سؤال را از پاسخگویان مطرح نموده‌ایم که چنانچه گروه‌هایی از جمله (اعضای خانواده و خویشان، دوستان نزدیک، همسایگان، همکاران، مردم شهر و مردم سراسر کشور) نیاز به کمک و حمایت مالی داشته باشند تا چه میزانی مایل به کمک به آنها هستید؟ رابطه بین ابعاد برون گروهی مشارکت و احساس شادمانی برخلاف پیش بینی‌های ابتدایی تحقیق، اثبات نشده است و این رابطه مورد تأیید قرار نگرفته است. تنها رابطه مؤلفه‌های درون گروهی است که با احساس شادمانی شهروندان رابطه‌ای معنادار دارد. به همین علت ابعاد برون گروهی مشارکت خیریه‌ای

نیز مورد تأیید قرار نگرفته است و تنها مشارکت خیره‌ای درون گروهی دارای تأثیرات مستقیم بر احساس شادمانی است.

دومین متغیری که بیشترین تأثیر را بر احساس شادمانی دارد، اعتماد نهادی است. اعتماد نهادی شامل اعتماد فرد به نهادها و ارگان‌های گوناگون است. هرچه که افراد اعتماد بیشتری به این نهادها داشته باشند شادتر خواهند بود. نتیجه قابل ملاحظه دیگر مربوط به شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های درون گروهی با شادمانی رابطه مثبتی دارند و شبکه‌های برون گروهی با شادمانی رابطه‌ای منفی دارند. یعنی هرچه شعاع ارتباط فرد از شعاع کوچکی که شامل خانواده، خویشان و گروه دوستان می‌باشد، به سوی دیگرانی که خارج از این شعاع ارتباطی محدودند (مردم شهر، کوچه و خیابان و رستوران‌ها و سراسر کشور) متمایل می‌گردد احساس شادمانی کاهش می‌یابد. کمترین ضریب تأثیر را متغیر شرکت در فعالیت‌های سیاسی بر شادمانی دارد که بسیار ضعیف است.

۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شادمانی یکی از ضروریات زندگی در دوران مدرن است. چرا که پیشرفت‌های عظیم فناوری بدون ایجاد محیطی شاد و نشاط بخش برای همه شهروندان اثربخش نخواهد بود. همه انسان‌ها می‌خواهند که شاد باشند اما ساختار اجتماعی یک جامعه باعث می‌شود که گاهی شادی ایشان با یاس‌ها و ناامیدی‌ها توأم شود. در این میان فشارهای زندگی از جمله وضعیت بد استغال، گرانی و تورم و حتی محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌تواند به عنوان مانعی در برابر شادمانی جلوه‌گر شوند و یا بالعکس از طرف دیگر ساختارهای اجتماعی می‌توانند به گونه‌ای شادی‌آفرین جلوه‌گر شوند.

شهروندان با مشارکت با یکدیگر، اعتماد به یکدیگر و ارتباط با یکدیگر می‌توانند احساس شادمانی را در خویش ایجاد و یا تقویت نمایند. تحقیق پیش رو در تلاش است تا رابطه مؤلفه‌های فوق را به عنوان مؤلفه‌های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی با احساس شادمانی مورد بررسی قرار دهد و در این اثنا سرمایه اجتماعی را به دو حوزه درون گروهی و برون گروهی تقسیم بندی نموده است.

طبق چارچوب نظری تحقیق یکی از مؤلفه‌های اساسی تأثیرگذار بر شادی را مشارکت‌های اجتماعی شهروندان معرفی می‌کند (طبق نظریه هالر و هادلر، ۲۰۰۶) نتایج تحقیق پیش رو نیز رابطه فوق را بر شادمانی تأثیرگذار معرفی می‌کند، لکن مشارکت در تحقیق، به دو حوزه درون گروهی و برون گروهی تقسیم بندی شده است. مشارکت‌های درون گروهی شعاع محدودی دارند که افرادی را در برمی‌گیرند که معمولاً جزو بستگان و اقوام نزدیک یا دوستان صمیمی با فرد است. بین این نوع مشارکت و احساس شادمانی رابطه‌ای مثبت و مستقیم برقرار است. دلیل امر این است که روابط عمقی در شعاع درون گروهی برخلاف روابط

سطحی در شعاع برون گروهی، نوعی احساس حمایت عاطفی را در افراد ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که ایشان احساس می‌کنند پشتیبانی دارند و در موقع سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی می‌توانند از کسی کمک بگیرند، به همین دلیل تأثیر اینگونه مشارکت‌ها بر شادمانی مثبت است. اما در شعاع برون گروهی شعاع گسترده است اما ارتباطات سطحی و محدود است و محدودیت ارتباطات نمی‌تواند احساس حمایت را همانند شعاع درون گروهی در افراد ایجاد نماید. طبق نظریه بارهیر (به نقل از هالر و هادلر، ۲۰۰۶) هراندازه روابط بین اعضای خانواده صمیمی‌تر و نزدیکتر باشد، به همان اندازه احساس شادمانی گسترده‌تر خواهد بود. مشارکت‌های درون گروهی نیز در کنار روابط صمیمانه و نزدیک اعضای خانواده با یکدیگر شکل می‌گیرند.

اما رابطه میان مشارکت‌های برون گروهی و احساس شادمانی مورد تأیید قرار نگرفته است. طبق نتایج تحقیق ضعیف بودن مشارکت‌های برون گروهی در مقابل مشارکت‌های درون گروهی مشهود است و به همین علت تأثیر شعاع برون گروهی مشارکت بر احساس شادمانی تأثیرگذار معرفی نشده است. دیگر نتایج تحقیق حاکی از آن است که شبکه‌های درون گروهی نیز برخلاف شبکه‌های برون گروهی دارای تأثیری مثبت و معنادار بر احساس شادمانی هستند. میزان صمیمیت اعضای فامیل و دوستان نزدیک شبکه‌هایی را با شعاع محدود در این شهر ایجاد کرده است که از یک طرف روابط عمقی را ارج می‌نهند و از طرف دیگر حمایت‌های عاطفی و حتی مادی را برای اعضا فراهم می‌آورند و همین حمایت‌های مذکور زمینه‌ساز احساس شادمانی است. اما در شبکه‌های برون گروهی وضعیت به گونه دیگری است. شعاع ارتباطی همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، گسترده است اما روابط سطحی و زودگذر است. دلیل تأثیر منفی اینگونه شبکه‌ها بر احساس شادمانی طبق نتایج تحقیق براساس تجربیاتی (که معمولاً با شکست اعتماد و اطمینان نسبت به دیگران) همراه است که تخریب کننده احساس شادمانی است. این تجربیات در ساختاری که به شدت پشتیبان روابط بانندی است و تمایل به حذف غریبه‌ها را دارد، نمی‌تواند زمینه‌ساز شادمانی گردد.

فهرست منابع

۱. اکبرزاده، ف.، دهقانی، ح.، خوشفرغ، جانعلی زاده چوبدستی، ح.، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست چهارم، شماره پیاپی (۴۹)، شماره اول، بهار.

۲. پناهی، م.، دهقانی، ح. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره (پیاپی) ۴۷، شماره سوم، پاییز.
 ۳. جعفری، ابراهیم و دیگران، (۱۳۸۳)، بررسی میزان شادمانی و عوامل همبسته آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان، گزارش نهایی طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان.
 ۴. جوکار، ب.، رحیمی، م. (۱۳۸۶)، تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، دانشگاه شیراز، سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان.
 ۵. ربانی، ع.، ربانی، ر.، گنجی، م. (۱۳۹۰)، رویکرد جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۱، تابستان.
 ۶. کهنه شهری، ف.، رنجبر، م. (۱۳۹۱)، بررسی جامعه‌شناختی شادمانی زنان متأهل دانشجوی، مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، شماره ۵۶، تابستان.
 ۷. معین‌الدینی جواد، صنعت خواه علیرضا، دادخواه فر معصومه، (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی درون گروهی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر کرمان، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری): دوره ۳، بهار شماره ۶، صص ۵۷ - ۸۰.
8. Anan, H. & et.al. (2011). Measuring welfare. *Journal of Public Economic* 95, 205-215. available at www.elsavier.com.
 9. Bergsma, A. (2006). Book reviews: Parents and teacher as the founder of Happiness. *Journal of Happiness Studies*, 7: 113-128.
 10. Glatzer, W. (2000). Happiness: classic theory in the light of current research. *Journal of Happiness Studies*, 1: 501_511.
 11. Graham, C. and A. Felton. (2006). Inequality and happiness: insights from Latin America. *Journal of Economic Inequality*, 4: 107-122.
 12. Haller, H. & M. Hadler. (2006). How Social relations and structures can produce happiness and unhappiness. *Social Indicators Research*, 75: 169_216.
 13. Mayers, D. (2000). Friends and faith of happy people. *American Psychologist*, 55: 56-57.
 14. Mc. S. & Sarah, A. (2013). Happiness factor. *Annals of Tourism Research*, 41, 42-65.

-
- 15.Schyns, P.(1998). Cross national differences in happiness. *Social Indicators Research*, 43: 3-Diener, E.D. and R. Lucas (2000). Explanation differences in social levels of happiness. *Journal of Happiness Studies*, 1: 41-78.
 - 16.Tkach, C. & Lyubomirsky, S. (2006). How do people pursue happiness. *Journal of Happiness Studies*, 7: 183-225.
 - 17.Veenhoven, R. & Kalmijn, W. (2005). Inequality adjusted happiness in nation. *Journal of Happiness Studies*, 6:421-455.